



آینده‌پژوهی ابعاد فکری و فرهنگی و ایدئولوژیک انواع جریان‌های تکفیری (۲۰۱۹-۲۰۲۹ م)

همت‌اله شمولی^۱

علیرضا زرگر^۲

DOR: 20.1001.1.26765756.1398.8.28.1.2

چکیده

در نزد عامه؛ گروه‌های تکفیری در خاورمیانه عموماً تروریست به حساب می‌آیند، حال آنکه تنها در یک فرقه از آنها، اعتقاد کامل به ترور وجود دارد. سلفی‌گری در واقع، بازگشت به قبل است و ویژگی بارز آنها بازگشت به سلف صالح، جهاد و تکفیر است. رشد سلفی‌گری در طول تاریخ به عامل داخلی و خارجی بستگی داشته. سؤال اصلی مقاله این است که آینده سلفی‌ها به خصوص داعش چگونه رقم می‌خورد و چه سناریویی برای آنها می‌توان دنبال کرد؟ باید گفت؛ سه نوع سلفی‌گری «سیاسی»، «تکفیری» و «اصلاحی» وجود دارد که هر یک رویه‌های خاص خود را برای حضور در جامعه داشته و دارند. سلفی‌های سیاسی؛ رویه‌ای صلح‌طلب دارند، اصلاحی‌ها بیشتر شیوه‌ای آموزشی دارند و سلفی‌های تکفیری ستیزه‌جو هستند. آینده سه نوع جریان سلفی به صورت خاص خود نمود پیدا خواهند کرد، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: «تکفیری‌ها» به مانند آتش زیر خاکستر (سناریوی فروکشی) هستند، «سلفی‌های اصلاحی» حضوری به صورت نیمه فعال دارند و «سیاسی‌ها» به نسبت دو گروه اول، بیشتر در عرصه سیاسی فعال‌اند. باید گفت؛ سلفی‌گری تکفیری که نماینده فعلی آن «داعش» است، اگر در جامعه فعال نیست به این معنی نیست که از بین رفته، بلکه فراز و فرود دارد اما نابود نخواهد شد و با توجه به بحران‌های داخلی و حمایت دیگران (عامل خارجی) در برهه‌هایی از تاریخ عرض اندام کرده است. روش تحقیق در این پژوهش، تاریخی-تحلیلی، پژوهش بنیادی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

کلمات کلیدی: سلفی‌گری، وهابیت، دیوبندیه، اخوان المسلمین، داعش.

جستار گشایی

سلفیه می‌کوشند که همه امور قرآن را با علوم جدید، منطبق جلوه دهند، همه جا نیز مسلمین را به رجوع به توحید محض قرآنی و اجتناب از بدعت‌هایی که به مرور و در واقع پس از عهد سلف صالح در میان عوام مسلمین پدید آمده است، دعوت می‌کنند. سلفیه‌های امروزی به اقوال ابن تیمیه^۱ و ابن قیم الجوزیه^۲ و شاه ولی‌الله دهلوی اعتماد فروان دارند. افکار سلفیه جدید در قبل توسط مجله «المنار»^۳ در میان متجددان مسلمان در سرزمین‌های اسلامی منتشر می‌شد که از مراکش تا جاوه اندونزی طرفدارانی یافت. بدون شک؛ مصلحان دینی قصدشان از دعوت در آغاز اصلاح دینی بوده، ولی بررسی ریشه‌های این نهضت نشان می‌دهد که دلایلی که از سوی پیشگامان آن ارائه می‌شود بیشتر اجتماعی و فرهنگی و به ویژه سیاسی است تا اخلاقی و روحانی. این کار باید به بازگشت به «اصول نخستین» جامه عمل بپوشاند تا بدین وسیله تعالیم اسلامی و ارزش‌های آن در میان مسلمین اعتبار و غنای سابق خود را بازیابند. اشاره مداوم به اوایل اسلام یکی از خصوصیات عمده نهضت سلفیه است. استدلال نخستین درباره سلف گرایی بیشتر از کلیت اسلام (مائده/۳، انعام/۳۸، انعام/۵۹) و تعلیم رسول اکرم (ص) (نساء/۵۹، حشر/۷) استنباط شده است. (حلی، ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۶۱) سلفیه: برخی آن را به معنی پدران گذشته دانسته و برخی دیگر بر همه پدران و اقربای یک فرد که از نظر زمانی یا فضیلت بر او مقدم هستند، اطلاق کرده‌اند. معنی متداول سلف نزد عامه مسلمانان همان معنایی است که از ظاهر این لفظ استفاده می‌شود و هنگامی که صالح به آن اضافه گردد به معنی گذشتگانی است که برای آیندگان مایه افتخار و سربلندی بوده‌اند. معنی اصطلاحی سلف، در بدعتی ریشه دارد که ابن تیمیه در قرن هفتم ایجاد کرد و تکفیری‌های امروزی بر «ابن تیمیه» تاکید دارند. ابن تیمیه می‌گوید: سلف کسانی هستند که در «سه قرن اول اسلام» بهتر زندگی می‌کردند و دارای تمامی فضایل بودند و آنان برای حل هر مشکلی، شایسته‌تر از سایرین هستند. (موسوی علی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۰ و ۳۱) پاره‌ای از آرا و افکار ابن تیمیه چنین است: ظاهرگرایی، تمسک فراوان به احادیث، قول به جسمانی و مرئی بودن خداوند و بی‌ثباتی نظر در رد یا پذیرش شفاعت. او با علوم عقلی و عرفانی و تصوف و به دنبال آن با تشیع و معتزله مخالفت ورزیده و اموری چون زیارت اهل قبور و صحت تأویل آیات متشابه را انکار نموده است. (تابان، ۱۳۸۳: ۸۹) البته به گونه‌ای، می‌توان سلفی‌گری تکفیری را به خوارج در صدر اسلام نسبت داد و آن زمانی بود که خوارج تاکید به اصلی که «هیچ کسی به جز خدا نمی‌تواند، حکم دهد». در گونه‌شناسی سلفی‌گری باید به عواملی مانند؛ عقاید، سیاست و روش توجه کرد (موسوی علی‌زاده، ۹۲ و ۹۳) «عقاید» به ریشه فکری آنها بازمی‌گردد، «سیاست» به نوعی

1. Ebne Timie
2. Ebne GHayem oljozie
3. Shah valiolah
4. Almenar

نحوه ورود به عرصه سیاسی و چگونگی تعامل با جامعه و نظام و «روش» به معنای شیوه‌هایی است که سعی دارد، نفوذ خود را گسترش دهد که از جمله روش‌های آنها می‌توان به جهاد، سازش و روش دیپلماتیکی اشاره کرد.

ناامنی که امروزه در منطقه با حضور داعش پررنگ شد، ما را بر آن داشت که سناریویی برای سلفی‌گری ترسیم نماییم. در این سناریو که بیشتر بر بُعد اندیشه‌ای و تاریخی تأکید هست؛ بر این اعتقاد است که «سلفی‌های اصلاحی» در طول تاریخ اسلام حضور داشته و البته، خیلی نقش و جایگاه مؤثری در جامعه اسلامی نداشته‌اند. «سلفی‌های سیاسی» که در تحولات سیاسی مسلمین حضور تقریباً دائمی داشته‌اند، خواستار روشی مسالمت‌آمیز هستند. «سلفی‌های تکفیری»: در واقع می‌توان از آنها آتش زیر خاکستر یاد کرد که بیشتر در بحران‌ها ظهور کرده و تأثیر خود را داشته باشند. در گسترش سلفی‌گری تکفیری هم عامل داخلی در آن تأثیر داشته و هم عامل خارجی؛ که اگر خوارج را نیز در این دسته قرار دهیم نقش عامل داخلی بیشتر بر افکار آنها تأثیر داشته است، اما اگر به وهابیت و داعش امروز نگاه تاریخی داشته باشیم، متوجه این امر خواهیم شد که نقش عامل خارجی (استعمار و غرب) در پیشرفت آن حائز اهمیت است.

۱- چارچوب نظری پژوهش:

چارچوب نظری در این پژوهش بر اساس سناریونویسی که یکی از روش‌های آینده‌پژوهی است، با رویکردی توصیفی-تحلیلی رویدادهای آینده‌ای که تحت شرایط ممکن است، رخ دهد پرداخته است. لذا سناریوها با کشف نظام‌مند چالش‌ها و فرصت‌ها در خدمت تدوین راهبردها قرار می‌گیرد.

(Makridankis, 1986: 215)

آینده‌پژوهی معادل مطالعه آینده است. این روش تفکرات فلسفی و مدل‌های مختلف بررسی و مطالعه آینده را مطرح و با استفاده از آنها، آینده‌های بدیل و احتمالی را ترسیم می‌نماید و لذا، آینده‌پژوهی، ابزاری برای مهندسی هوشمندانه آینده است. (ناصرآبادی، ۱۳۷۹: ۲۵)

تبدیل نتایج و خروجی‌های سناریو به تصمیم‌های اجرایی مشکل است؛ نتایج این روش محدود به نظر افراد شرکت‌کننده در جلسات سناریونویسی است؛ بیشتر بر تحلیل‌های کیفی استوار است.

(حاجیان، ۱۳۹۱: ۲۶۸)

۲. سلفیت نوین

در اینجا به سه جنبش مهم بنیادگرا که تأثیر زیادی در سلفی‌گری نوین در حوزه عملی و نظری داشته، می‌پردازیم. منظور ما از سلفی‌گری نوین در واقع سلفی‌گری است که با توجه به نفوذ استعمار در سرزمین‌های اسلامی به نوعی سعی کرده‌اند قدرت را در دست گیرند؛ یعنی؛ به گونه‌ای که با داشتن دانش، سعی در کسب قدرت دارند.

۱-۲. وهابی تکفیری

وهابیت را «محمد بن عبدالوهاب» که در قرن دوازدهم هجری می‌زیسته بنیان‌گذاری کرده است. افکار وی، ریشه در آراء ابن تیمیه داشته و سرزمین نجد مهد آن بوده است. (سبحانی، ۱۳۶۷: ۶۰) وهابیت را در شمار سلفی - تکفیری می‌شناسند. «سلفی» معتقد است؛ فهم سلف از فهم خلف برتر است و «تکفیری» کسی است که همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی و خصوصاً صوفی‌ها را «مشرک» و «کافر جلی» می‌داند که یا باید دوباره اسلام بیاورند یا کشته شوند. وهابیت از نظر فکری متعصب و خشک‌اند و از علوم جدید فهمشان دور بوده و فتاوی عجیبی سر می‌دهند به عنوان مثال می‌گویند: توپ فوتبال نباید گرد باشد، چون تشبه به کفار است. یا زمین فوتبال مستطیلی نباشد چون تشبه به کفار است. ریشه وهابیت در عربستان سعودی است و عامل خارجی در توسعه آن نقش به سزایی دارد. وهابیت بیشترین تأثیر را از ابن تیمیه گرفته و بیشترین ضدیت را در عقاید، سیاست و روش با شیعیان به خصوص شیعیان دوازده‌امامی دارند. وهابیت در ظاهر دعوتی اعتقادی است اما بررسی آن بدون پرداختن به پیوند آن با قدرت - سیاسی، امری ناقص است. (موسوی علی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۱۳)

گسترش وهابیت با قدرت شمشیر و عامل خارجی که انگلیس بوده توانسته است در برخی مناطق اسلامی ریشه بدواند. از وهابیت تعبیر «اسلام دولتی» را استفاده می‌نمایند (موسوی علی‌زاده: ۳۱۳ و ۳۱۴)؛ به این معنی که زمام امور در دست افراد غیردینی است و آنان هستند که سیاست‌گذار امور دینی‌اند. در تبارشناسی وهابیت باید به نقش دانش و قدرت اشاره کرد. وهابیت در ابتدا حتی در عربستان نیز جایگاهی نداشت ولی با قدرت شمشیر و زور و همچنین کمک انگلیس (عامل خارجی) توانست نفوذ خود را به مرور در عربستان گسترش دهد. در رشد وهابیت، افول امپراتوری عثمانی و وجود دولت شیعه در ایران بی‌تأثیر نبوده است. همچنین ضعف عشیره‌های عربستان و ساختار قبیله‌ای این کشور بر قوت گرفتن وهابیت افزوده است. امروزه عربستان بزرگ‌ترین کشور حامی سلفی‌های تکفیری است.

۲-۲. سلفیت دیوبندی

طیف دوم سلفی، دیوبندی‌ها هستند. دیوبند روستایی در کنار دهلی‌نو که از شاه ولی‌الله دهلوی که معاصر عبدالوهاب بوده در هند رشد یافته است. این نوع سلفی در مخالفت با استعمار (انگلیس) به وجود آمد و دور شدن خود را از سلف، راه انحطاط مسلمانان می‌دانند. (ترکی، ۱۳۹۲: ۸۶) در واقع این نوع از سلفیت نسبت به تردد استعمار نفوذ و گسترش پیدا کرده است و حال آنکه در سلفیت وهابیت نقش استعمار به عنوان بازو و اهرمی برای گسترش آن بوده است. شاه ولی‌الله دهلوی در واقع روش حدیث‌گرایی را برگزید، وی علل انحطاط دین و پیدایش خرافات را دوری از منابع حدیثی می‌دانست، البته حدیث‌گرایی وی در مباحث شرک و توحید به معنی عقل‌ستیزی مطلق او نبود، اصل اجتهاد را می‌پذیرفت و معتقد

بود عالمان اسلامی می‌توانند راه حل پیش پای مسلمین قرار دهند. البته شاه ولی‌الله اجتهاد در امور فرعی را محدود و در مسائل اعتقادی، برای عقل‌ارزشی قائل نبود. آنچه برای وی اهمیت داشت، تلاش برای نزدیکی مذاهب اسلامی به یکدیگر بوده است. از نظر وی اختلاف مکتب‌های چهارگانه بسیار سطحی و ظاهری است که با رجوع به کتاب و سنت رفع شدنی است به همین دلیل تقلید از مذاهب چهارگانه (حنفی، حنبلی، مالکی و شافعی) را جایز می‌دانست. نکته‌ای که شاه ولی را از دیگر سلفی‌ها جدا می‌کند توجه به تصوف است، وی پیرو «طریقه نقشبندی» بوده و این مسئله، وی را از سلفی‌هایی جدا می‌ساخت. (موسوی، علی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۱۰ و ۱۱۱)

مکاتب دیوبندی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: گروه معتدل، گروه تندرو و گروه‌های تروریستی.

الف) گروه معتدل؛ وابسته به حزب «جمعیت العلمای اسلام» شاخه فضل الرحمن است که هدف خود را در قالب مبارزات انتخاباتی پیش می‌برد.

ب) گروه تندرو؛ حزب «جمعیت علمای اسلام» شاخه «سیمع الحق»^۱ در پیشاور پاکستان است که دیدگاهی به نسبت افراطی دارند که طالبان محصول عملکرد این گروه است. همان طور که گفته شد در طیف افراطی عامل خارجی نقش مؤثری در گسترش آن دارد و باید در نظر داشت که طالبان از تبلیغات «عربستان» و کمک تسلیحاتی «آمریکا» که عامل خارجی محسوب می‌شود، رشد داشت.

ج) گروه‌های تروریستی؛ این گروه، دیگر مسلمانان را کافر می‌دانند و شامل گروه‌هایی مانند «سپاه صحابه»^۲، «لشکر جهنگوی»^۳ و «لشکر طیب»^۴ که رویکردی خشونت‌آمیز دارند را در برمی‌گیرد.

(موسوی، علی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

سرعت رشد مکتب و افزایش دیوبندی‌ها به دلیل پشتیبانی عالمان دین و همچنین عامل نفوذ خارجی (که این عامل باعث شده است مردم در صحنه بیایند) مناطق مختلف هند گسترش یافته است. هر چند در مبانی دیوبندی نیز مخالفت با شیعه وجود دارد، اما وجود دشمن مشترک (هندوها و انگلیس‌ها) موجب بروز نیافتن اختلاف‌ها می‌شد. (موسوی، علی‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۲ و ۹۳)

دیوبندی‌ها عموماً تکفیری نیستند، اما افراطی‌اند، به خصوص نسبت به شیعه، چرا که از شاه ولی‌الله تا امروز، همه علمای دیوبندی علیه شیعه کتاب نوشته‌اند. پسر شاه ولی‌الله کتابی (با نام تحفه اثنی عشریه) علیه شیعه به فارسی نوشت. دیوبندی علیه شیعه‌ها به پاکستان، افغانستان، اروپا و آسیای میانه می‌رفتند و تفکر دیوبندی را تبلیغ می‌کردند. اشتراکات دیوبندی با شیعه نسبت به وهابی در مباحث «اعتقادی» بیشتر است. مثلاً در باب تنزیه خدا، تنزیهی هستند در صورتی که وهابیون تشبیهی‌اند. در نبوت، جبر و اختیار مثل شیعه هستند. در کتاب‌هایشان به این حدیث امام صادق (ع) اشاره داشته‌اند که «لا جبر و لا

1. Simeol Hagh
2. Sepahe Sahabe
3. Lashkar Jehangoye
4. Lashkar Taebe

تفویض بل امر بین الامرین». همچنین اصل توسل را قبول دارند. در صورتی که وهابیون این موضوع را شرک می‌دانند. دیوبندی‌ها عزاداری را بدعت می‌دانند، وهابی‌ها آن را شرک می‌شمارند. البته در پاره‌ای موارد مثل «نذر» دیوبندی‌ها و وهابی‌ها هر دو آن را شرک می‌دانند. در واقع در دیوبندیه دو طیف افراطی به وجود آمد؛ اول سپاه صحابه (گروهی شبه‌نظامی از علمای اهل سنت هستند که مستقیماً شیعه می‌کشند و با شیعه در تضادند) و طیف دوم که اقلیت دیوبندی‌ها می‌باشند، طالبان است. (ترکی، ۱۳۹۲: ۸۷)

تفاوت‌های سلفی‌گری دیوبندی و سلفی‌گری وهابی را می‌توان این چنین برشمرد؛

الف). توجه به عقل؛ وهابیون جایگاهی را برای عقل نمی‌شمارند، در حالی که شاه ولی‌الله دهلوی برای عقل و اجتهاد اهمیت نسبی قائل است و عنصر اجتهاد را ضروری می‌داند.

ب). تقریب مذاهب؛ دیوبندیه به ضرورت تقریب مذاهب معتقد است، در حالی که عبدالوهاب دیگر مسلمین را کافر می‌داند و خون آنها را مباح می‌شمارد.

ج). طریقت؛ شاه ولی‌الله طریقت را مکمل شریعت می‌داند.

د). تصوف؛ دیوبندیه اهل صوفی به شمار می‌آیند ولی وهابیت به شدت با تصوف سر جنگ دارد.

ه). مذهب؛ وهابی‌ها خود را پیرو احمد بن حنبل می‌دانند در حالی که دیوبندی‌ها پیرو ابوحنیفه هستند.

ز). کلام؛ شاه ولی‌الله دهلوی «ماتریدی» بود اما وهابی‌ها پیرو هیچ مکتب کلامی نیستند. (موسوی علی‌زاده، قبلی: ۱۱۷ و ۱۱۸)

ذکر این نکته شاید خالی از فایده نباشد که دیوبندی‌ها و وهابیون علیه هم کتاب نوشته‌اند. (ترکی، ۱۳۹۳: ۸۶ و ۸۷) بنابراین می‌توان گفت که دیوبندی‌ها و وهابی‌ها از هم دور هستند، اما گروهی از دیوبندی‌ها که به انجام عملیات تروریستی روی آورده، باعث نزدیکی برخی از دیوبندی‌ها به وهابیت شده و این امر بیشتر در مبارزه علیه شیعه شکل گرفته است.

۲-۳. اخوان المسلمین

گروه سلفی دیگری که نقش بسیار مهمی را در حدود یک قرن اخیر داشته، اخوان المسلمین است. از برخی دیدگاه‌ها، اخوان المسلمین اولین جنبش سیاسی مسلمانان جهان است که با هدف دست‌یابی به حکومت اسلامی در قرن بیستم ابراز وجود نمود. (معدل، ۱۳۹۲: ۱۸۷) این جنبش از مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی-دینی مسلمانان است که با استفاده و الهام از قرآن و سنت (عمدتاً با تفسیر اهل سنت) برای دست‌یابی به یک حکومت اسلامی در مصر تلاش نموده است. اخوان المسلمین برای دست‌یابی به هدفش در کشورهای دیگر از جمله سوریه، یمن، عراق، عربستان شعبه دارد.

جنبش اخوان المسلمین در سال ۱۹۲۸ میلادی در شهر اسماعیلیه مصر توسط حسن البنا و شش تن از یارانش پایه‌گذاری شد و به سرعت در اقصی نقاط مصر نفوذ نمود. (گلی‌زواره، ۱۳۸۰: ۳۴۹-۳۵۰)

رشید رضا از افراد مهم اخوانی است. وی موضوع حکومت اسلامی را پس از پرداختن به مسائل خلافت به پیش می‌کشد و معتقد است در سه مرحله حکومت شکل می‌گیرد؛ اول؛ مبانی خلافت را در نظریه و نگرشی سیاسی پی‌جویی می‌کند، دوم؛ شکاف بین آن نظر و عملکرد سیاسی را در میان مسلمانان سنی نشان می‌دهد و سوم؛ اندیشه خود را راجع به اینکه حکومت اسلامی چگونه باشد مطرح می‌سازد. رشید رضا مخالف به خلافت نشستن «شریف حسین مکی» بود و فقط «امام یحیی یمنی» را قبول داشت و این به خاطر مهارتش در فقه، صلاحیت اخلاقی، کفایت، استقلال سیاسی و نسب قریشی اوست و بیعت مردم حجاز، تمامه و نجد برای او را شرط می‌داند این موارد نشان از روحیه علمی اخوانی‌ها دارد، هر چند همه طیف‌های آن این‌گونه نیستند. رشید رضا از مسئله خلافت به مسئله حکومت اسلامی روی می‌آورد و از «الدوله الاسلامیه یا حکومت الاسلامیه» یاد می‌کند. وی در پایان برای بازسازی خلافت دو پیشنهاد می‌دهد، اول؛ حاکمیت مردم و دوم امکان وضع قوانین از جانب بشر که آن را اشتراع یعنی وضع قوانین می‌نامد (موسوی، ۱۳۹۰: ۲۵۳-۲۵۴) رشید رضا، صاحب تفسیر المنار شاگرد عبده بوده که اولش تحت تأثیر عبده و سیدجمال بود، اما با خواندن کتب ابن تیمیه، سلفی شد و صراحتاً گفته است؛ من سلفی‌ام، اما سلفی غیر تکفیری‌ام؛ یعنی معتقدم توسل و ... شرک است، اما مسلمانانی که این کارها را انجام می‌دهند، مسلمان مشرک‌اند. آبرویشان محترم است، اما مشرک‌اند. یوسف قرضاوی^۱ هم تابع رشید رضا است. او می‌گوید مسلمانان مشرک، مشرک به شرک جلی اخی هستند. جلی است اما چون برای علما روشن نیست، اخی است. رشید رضا در مجله المنار، تفکرات سلفی را به مدت ۲۵ سال نشر داد. وی تکفیر را نمی‌پذیرد و نگاهی تقریبی دارد که البته به «عجم» و «ایرانی‌ها» دید خوبی ندارد و می‌گوید: «مسلمانان باید وحدت داشته باشند».

حسن البناء (مؤسس اخوان المسلمین) شاگرد رشید رضا بوده و از تفکرات سلفی او تأثیر پذیرفته، اما به خاطر این که دایب‌اش صوفی بوده و خودش در جوانی در حلقه‌های صوفیه شرکت می‌کرده یک صوفی به تمام معنا است. حسن‌البناء تا آخر عمرش ذکر صوفیانه می‌گفته است. به نوعی می‌توان گفت؛ اخوان المسلمین در شمار سلفی معتدل تقریبی بوده که با رویکردی سیاسی به دنبال حکومت اسلامی است. حسن‌البناء عضو دارالتقریب مصر بود. «التلمسانی» می‌گوید هرگاه به‌البناء می‌گفتم دعوی شیعه سنی، می‌گفت این حرف‌ها را ول کن. شیعه هم یک مذهب اسلامی است و این رویکرد در میان اصول اساسی اخوان المسلمین مانده است. (فرمانیان، ۱۳۸۶: ۶۳)

نکته مهم درباره اخوان المسلمین؛ حضور این تشکل در محافل علمی، سیاسی و اجتماعی است که ریشه آن به علمی بودن آنان برمی‌گردد و این امر نسبت به وهابیت و دیوبندی جای تأمل دارد. در کل اخوان المسلمین نسبت به وهابیت و دیوبندی‌ها بسیار منسجم‌تر هم عمل کرده و هم می‌تواند عمل نماید و این

بیشتر به دلیل صبغه علمی، روش دیپلماتیک و حضور آنها در صحنه‌های مختلف رقابتی است.
۳. عوامل رشد سلفی‌گری را باید مرتبط با دو عامل خارجی و داخلی دانست که به هریک آنها می‌پردازیم.
۱-۳. عوامل داخلی

شرایط اجتماعی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی هر منطقه در شکل‌گیری و رشد سلفی‌گری مؤثر بوده است. به طور کلی عوامل داخلی در رشد سلفی‌گری را می‌توان، انحرافات حکومت‌ها، سستی مسلمین در امور خود، ظلم به مسلمین، ضعف نظام سیاسی برشمرد.

رشید رضا به عنوان شخصیتی سلفی معتقد است؛ چون حکومت در اسلام، الهی است، بنابراین؛ درست‌تر از آن چیزی است که اندیشه انسانی می‌تواند دریافت کند و با توجه به این که این اصول به درستی اجرا نشده تقصیر خود مسلمین است که از اصول حقوق عام تدوین شده در زمان خلفای راشدین منحرف شدند و چنانچه این اصول به درستی اجرا شده بود از تمامی مصائب وارد شده بر امت اسلامی جلوگیری می‌شد (حلبی، ۱۳۹۰: ۲۶۷) همچنین رشید رضا سرانشی سقوط را در زمان معاویه می‌داند و حکومت خلفای راشدین را حکومت اسلامی و درست می‌داند (حلبی، ۱۳۹۰: ۲۶۸).

به طور کلی می‌توان عامل داخلی در رشد سلفی‌گری در سه جنبش فوق را «دوری از کلیت اسلام» و «دوری از تعالیم رسول اکرم (ص)» به شمار آورد.

۲-۳. عوامل خارجی

عامل خارجی نیز در رشد سلفی‌گری و بازگشت به آیین اولیه اسلام نیز بی‌تأثیر نبوده است. این عوامل ممکن است دو جنبه داشته باشند، عامل خارجی در فرقه‌ای مانند وهابیت؛ بیشتر برای تضعیف اسلام و اهداف استعماری خودشان بوده و جنبه دیگر عامل خارجی در گسترش سلفی‌گری، طرد و مبارزه با استعمار است که نمونه آن در هند (دیوبندیه) است. در واقع دیوبندیه و وهابیت شعار «بازگشت به اسلام» را سر داده‌اند اما روش برخورد و نقش عامل خارجی در آنها متفاوت است که در ذیل به دو مورد آنها اشاره می‌کنیم.

در اوایل قرن هفدهم میلادی کمپانی هند شرقی از امپراتوری گورکانی^۱ اجازه تأسیس کارخانه را در سورات^۲ گرفت و سپس با خرید قطعه زمینی در جنوب هند، شهر مدرس را بنیان نهاد. پس از نبرد پلاسی^۳ در سال ۱۷۵۷ م. نواحی پهناوری از بنگال به چنگ آنان افتاد. در همین سال سراج الدوله و در سال ۱۷۶۴ شجاع الدوله شکست خوردند و به این ترتیب مسلمانان به شدت تحقیر شدند و حکومت «شاه عالم» محدود به «الله-آباد» گردید. حکومت بریتانیا در سال ۱۷۶۵ چند منطقه را تصرف کرد و با سرکوب مقاومت‌های محلی و شکست «تیپوسلطان»^۴ به دروازه‌های دهلی رسید. انگلیسی‌ها بسیاری از رسوم

1. Gorkani

2. Sorate

3. Pelasi

4. Tipo Soltan

هند را سرکوب کردند که از جمله اقدامات آنان ترویج زبان انگلیسی در هند بود، همچنین استفاده از زبان فارسی در ادارات دولتی و دادگاه‌ها ممنوع شد. مسلمانان این اقدام را توطئه‌ای هدفمند برای از بین بردن فرهنگ ملی و دینشان تلقی نمودند. پس از سرکوب قیام مردم هند و قتل تعدادی از مسلمانان، روحانیون پراکنده شدند و این امر باعث شد که مدرسه دیوبندیه سرانجام در مسجد «چته» گشایش یابد که هزینه اداره مدرسه توسط عموم صورت گرفت. (پیری و دورانی، ۱۳۹۱: ۸-۲۰)

نمونه دیگر در عربستان که عامل خارجی، در رشد سلفی‌گری تأثیر داشته وهابیت است. نقش مستر همفر انگلیسی^۱ در تشویق محمد بن عبدالوهاب برای تشکیل حکومت بسیار برجسته است. وی می‌گوید: به او (عبدالوهاب) می‌گفتم: من امید بسیاری دارم که روزی اسلام به دست تو تجدید شود، زیرا تو تنها نجات دهنده‌ای هستی که امید است به وسیله تو اسلام از این سقوط نجات یابد. با محمد قرار گذاشتم که در تفسیر قرآن طبق افکار خودمان بحث کنیم و کاری به افکار مذاهب و بزرگان اسلام نداشته باشیم و بدین منوال با همدیگر قرآن را می‌خواندیم و در قسمت‌هایی از آن بحث می‌کردیم. و منظور من از این سبک بحث این بود که محمد را به دام اندازم. و محمد هم مرتب برای آنکه روشنفکری و آزادفکری خودش را ثابت کند بیشتر نظریاتی که من می‌دادم می‌پذیرفت (همفر، ۱۳۸۰: ۳۹). پس از رشد نسبی آئین وهابیت، محمد بن عبدالوهاب به محمد بن سعود می‌گوید: من با تو بیعت می‌کنم بر این اساس که ریاست و امامت دنیا در دستان تو و فرزندان تو باشد و ریاست و خلافت دینی مردم در دست من و بعد از من در دست فرزندانم باشد تا ابدالدهر (الفتح، ۱۳۸۸: ۵۹۵) و همچنین قضیه عبدالعزیز بن سعود است که؛ عبدالعزیز بن سعود رئیس حکومت عربستان، به پای «سرپرسی کوکس»^۲ افتاد. او اعلام کرد که آقای پرسکی کوکس هم پدرم بود و هم مادرم، او مرا ساخت و من را از هیچ به این مقام رساند (که رئیس منطقه حجاز هستیم)، برای من مشکلی نیست، اگر دستور دهد که نصف عربستان را به او بدهم، بلکه تمام عربستان را به او تقدیم کنم. (دیکسون، ۱۹۹۰: ۲۸۱)

با توجه به وهابیت و دیوبندیه به این نتیجه می‌رسیم که عامل خارجی نیز در رشد سلفیت تأثیر مستقیم داشته هر چند نباید تأثیر عمده که داخلی است در نظر داشت، اما به هر حال نباید از عامل خارجی در رشد سلفی‌گری به سادگی عبور کرد. در هر حال داعش در ادبیاتش از «خضم نزدیک» نام می‌برد و در عین حال «خضم دور» را نیز در نظر دارد. (فیرچی، ۱۳۸۹: ۴۴)

گونه‌شناسی سلفی‌گری که در واقع سه سناریو می‌توان برای آنها ترسیم کرد در زیر می‌آید.

۴. گونه‌شناسی سلفی‌گری

همان‌طور که ذکر آن رفت، دیوبندی‌ها دارای فرقه‌های گوناگونی بوده که سپاه صحابه، لشکر طیبه و لشکر جهنگوی در راستای گروه‌های سلفی - تکفیری قرار می‌گیرند که روش آنها «ترور» و «رعب و

1. Hamfer

2. Ser persi kokse

وحشت» است که در این میان نقش عامل خارجی بسیار حائز اهمیت است، چرا که با روشی که در جامعه می‌خواهند پیاده کنند با فشارهای زیادی رو به رو هستند و با توجه به اهداف کشورهای غربی و همسوسدن این سیاست‌ها با آنها در کسب قدرت کمک می‌کنند. در حال حاضر عربستان با توجه به سیاست‌های خود در منطقه حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم از سلفی‌های تکفیری دارد.

در اخوان المسلمین وضع به گونه‌ای دیگر است، البته در اخوان نیز برخی چهره‌ها از جمله «حسن حنفی»^۱ را تکفیری محسوب می‌کنند. «حسن حنفی» اندیشمندی مصری که تحت تأثیر فضاهاى فکری دنیای عرب از جمله اخوان المسلمین، واکنش‌های بارزی در مورد هویت‌خواهی، عدالت‌جویی، چپ‌گرایی اسلامی و چالش با غرب را بیان می‌داشت و بنیادگرایی مبارز جهان اسلام را «گریه مظلومان» دانسته است و اعلام نموده درست نیست غرب به عنوان مرکزیت فرهنگی جهان به حساب آید، مسلمانان باید غرب را مورد بررسی دقیق قرار دهند و معتقد است برای پیشرفت باید بر خودآگاهی و زایش درونی و توسعه بومی توجه کرد، برخی از پیروان فکری سید قطب که اغلب در زندان بررسی نقش اخوان المسلمین در مصر را نیز جز سلفی‌ها تکفیری به شمار می‌آورند (هیوود، ۱۳۸۳: ۵۳) همان طور که سید قطب گفته است؛ «هجرت کنید به جاهایی که اسلام باشد و از این شهرها به شهرهای جاهلی حمله کنید. جهاد واجب است». (ربیع‌فرد، ۱۳۹۲: ۸۰-۸۱)

با توجه به اینکه رشد سلفی‌ها با بحران خلافت عثمانی تشدید شد، در مصر، اندیشمندان مصری بازگشت به آموزه‌های اسلامی را پیشنهاد کردند که اساس این نوع سلفی‌گری با سلفی‌گری وهابی و حتی سلفی‌گری شبه‌قاره متفاوت بود و هرگز به مواضع و رفتار موردی صحابه و تابعین استناد نمی‌کردند و بیشتر بر روح دین و مبانی اسلامی تأکید می‌کردند. دغدغه اصلی سلفی‌های مصری تشکیل حکومت اسلامی است (موسوی علی‌زاده ۱۳۹۳: ۱۳۰) برخی مانند آقای موسوی از پنج گونه سلفی، شامل؛ تکفیری، سیاسی، اصلاحی، جهادی و تبلیغی نام می‌برد؛ اما به نظر می‌رسد که این سه گونه یعنی تکفیری، سیاسی و اصلاحی هم روش تبلیغی خاص خود را دارند و هم کار خود را به نوعی جهاد در راه خدا می‌دانند و می‌توان سه نوع سلفی را بازشناخت. به هر حال ما در اینجا از سه گونه سلفی‌گری نام می‌بریم

۴-۱. سلفی‌گری تکفیری

سلفی‌گری تکفیری همان طور که از نامش پیداست، دیگر فرق مسلمان را تکفیر می‌کند و آنها را کافر می‌شمارد. برخی از رهبران این گروه از اصطلاح دشمن دور و دشمن نزدیک سخن به میان می‌آورند و به آیه ۱۲۳ سوره توبه اشاره می‌کنند که؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید! و دشمن دورتر، شما را از دشمنان نزدیک غافل نکند! آنها باید در شما شدت و قدرت احساس کنند

و بدانید خداوند با پرهیزگاران است». در واقع آنها اصطلاح خصم نزدیک به کار می‌برند و می‌توان داعش امروزی را نمونه‌ای سلفی‌گری تکفیری دانست. همچنین دیوبندهایی مانند سپاه صحابه، لشکر جهنگوی، لشکر طیبه که شیعیان را تکفیر می‌کنند (موسوی علی‌زاده، ۱۳۹۳: ۹۶) نیز در شمار سلفی‌های تکفیری محسوب می‌شوند.

برخی مانند آقای فیرحی معتقدند؛ اگر داعش را امتداد «جریان سلفی» محسوب کنیم، می‌توانیم آن را نسل چهارم سلفیه به حساب آوریم که نسل اول آن خودش را در ادبیات نظیر ابن تیمیه نشان می‌دهد، نسل دوم وهابی‌ها هستند، نسل سوم را در چارچوب جریان‌های نظیر القاعده و نسل چهارم آن جریان‌های تکفیری نظیر داعش هستند. جریان‌های تکفیری یک ویژگی مشترک با بقیه سلفی‌ها دارند و آن این است که برای تأسیس زندگی روزمره‌شان به سلف و به نص، یعنی به سنت و قرآن برمی‌گردند (داعشی شدن دشوار نیست)، البته باید در نظر داشت که همه فرقه‌های مسلمان حتی خود شیعه نیز رجوع به نص پیامبر (ص)، سنت (پیامبر) و قرآن دارند. لذا در جریان سلفی همان طور که ذکرش رفت باید به عامل خارجی و شرایط زمان نیز توجه نمود. دلیل توجه به عامل خارجی در رشد سلفی‌گری نیز باید در قرآن دید که امروز داعش از آن غافل است؛ قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و همگی به ریسمان خدا (به دین و کتاب و آورندگان وحی) چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را درباره خود به یاد آرید آن گاه که با هم دشمن بودید پس میان دل‌های شما الفت افکند، پس به نعمت او برادر یکدیگر شدید و شما بر لب گودالی از آتش بودید پس شما را از آن برهانید. خداوند این چنین نشانه‌هایی (توحید و قدرت و حکمت) خود را برای شما روشن می‌کند شاید هدایت یابید» (آل عمران، آیه ۱۰۳).

بنابراین؛ سلفی‌گری تکفیری چند ویژگی مهم از جمله؛ «تمرکز و توجه بیش از حد به سلف و نص»، «عمل‌گرایی از هر طریق حتی ترور»، «برترانگاری افراطی خود به مثابه یک پارادایم»، «توجه به مرز کشورهای اسلامی و حمله به دشمن نزدیک (خصم نزدیک) با توجه به دسترس نبودن دشمن دور (خصم دور) یعنی صلیبیون» می‌توان اشاره داشت.

۴-۲. سلفی‌گری سیاسی

سلفی‌گری سیاسی سعی دارد از راه‌های سیاسی و مبارزاتی وارد شود. این نوع سلفی‌گری بیشتر در شکل احزاب و بعضاً به صورت مسالمت‌آمیز سعی دارند قدرت را قبضه نمایند و به نسبت معتدل‌تر می‌توانند در جامعه عرض اندام نمایند، هرچند احزاب تندی نیز در میان آنها پیدا می‌شود.

در واقع سلفی‌گری سیاسی با وجود داشتن هدف‌های اعتقادی، بیشتر در پی هدف‌های سیاسی از راه

سیاسی برای کسب قدرت سیاسی هستند. هرچند حتی در این گروه که اخوان المسلمین نماینده تمام عیار آن است، اعتقاد به سازمان نظامی نیز بعضاً در بین برخی از افراد آنها دیده می‌شود. از نمونه‌های سلفی‌گری سیاسی می‌توان به حزب جمعیت دارالعلمای پاکستان اشاره کرد (موسوی علی‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۱ و ۱۰۲) از ویژگی‌های بارز این نوع سلفی‌ها می‌توان به «روش مبارزاتی قانونی آنها»، «توجه به مسائل بین‌المللی»، «همگرایی و تأکید بر افزایش اتحاد بین کشورهای اسلامی» و «قانون‌مداری و توجه به قوانین جامعه» اشاره کرد.

۴-۳. سلفی‌گری اصلاحی

این نوع سلفی‌گری در واقع به دنبال اصلاح امور جامعه اسلامی هستند، یعنی اولاً حکومت حاضر را می‌پذیرد و دوم اگر کاستی در نظام و حکومت باشد سعی دارد آن را اصلاح کند و در واقع آن را مورد نقد و بررسی قرار دهد که در برخی موارد هم در عقاید و هم در مسائل سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی وارد می‌شوند. در واقع سلفی‌گری اصلاحی در پی یافتن و همچنین رفع این سؤال است که علت عقب‌ماندگی مسلمین چه مواردی است؟ و چگونه می‌توان آن را اصلاح کرد؟ اندیشه‌های اقبال، عبده، سید جمال، شیخ شلتوت در زمره اندیشه‌های اصلاحی جای می‌گیرد.

با توجه به گونه‌شناسی سلفی‌ها باید در نظر داشت که هر سه گونه سلفی، یعنی؛ تکفیری، اصلاحی و سیاسی را به گونه‌ای می‌توان نماینده سه جنبش وهابیت، دیوبندی و اخوانی دانست، هرچند نمی‌توان مرزبندی دقیقی را برای آنها ارائه داد اما تا حدودی در عمل این گونه نشان داده‌اند. البته در مورد دیوبندیه این دقت کمتر می‌توان مورد تدقیق قرار داد.

۵. سناریوهای محتمل سلفی‌ها

اینکه چه چیزی تصمیمی خوب را می‌سازد، امری کم‌اهمیت نیست. پس از اتخاذ یک تصمیم، شرایط تغییر می‌کند و هرگز نمی‌توان پی برد اگر تصمیم اتخاذ شده متفاوت بود چه اتفاقی می‌افتاد. در تحلیل‌هایی سناریو، سازمان (گروه) خواهان رسیدن به اهداف خود است و نیاز به انطباق منحصر به فرد با محیط تغییر دارد. هدف راهبردهای توسعه سیاست‌ها، راهنمای رفتار فردی در افراد سازمان است به نحوی که کل نظام به انطباق خوب و منحصر به فرد برسد و آن را حفظ کند. (کیس و ندر هیدن، ۱۳۹۱: ۳۵ و ۳۹) در سناریوسازی توجه به آینده‌پژوهی هست. در اینجا با توجه به اهمیت سلفی‌های تکفیری مانند داعش سناریوها را بررسی می‌کنیم.

۵-۱. سودای تشکیل حکومت اسلامی

بی‌شک، غرب و به خصوص آمریکا (عامل خارجی) از عوامل رشد سلفی‌گری تکفیری در خاورمیانه‌اند که از سال‌های قبل با برنامه‌ریزی‌ها در پی اهدافشان هستند. عامل خارجی از طریق فتنه مذهبی به عنوان

کم‌هزینه‌ترین و بهترین نفوذ در جریان اسلام است که فتنه ترکیبی از سه ضلع «ارهاب»، «انغلاق» و «تکفیر» است که دو ضلع تکفیر و انغلاق از نظر تئوریک بوده و ارهاب جنبه عملیاتی آن است. (نبتیان، شیخ‌حسینی، ۱۳۹۳: ۲۲ و ۲۳) ادعای این استدلال روی کار آمدن دولت شیعی در عراق بود که عربستان و آمریکا از این امر احساس خطر کرده بودند. این امر در واقع عامل خارجی در رشد تکفیری‌ها است. با سقوط صدام در سال ۲۰۰۳، عراق و منطقه وارد مرحله جدیدی شد. با منحل شدن ارتش و نهادهای سیاسی زمان صدام، آمریکا با تشکیل شورای حکومت انتقالی فعالیت‌هایی را برای تأسیس دولت و ساختارهای جدید عراق انجام داد. با تصویب قانون اساسی جدید در سال ۲۰۰۵ هر چند دولت مردمی عراق شکل گرفت اما شکاف‌های قومی و مذهبی، زمینه‌های اجتماعی و تاریخی، شرایطی را به وجود آورد که حاکمیت این کشور تحت تأثیر قرار گرفت (شیخ‌حسینی، ۱۳۹۳: ۲۳ و ۲۴) و شاهد حضور جدی «الزرقاوی»^۱ در سال ۲۰۰۴ و بیعت با اسامه بن لادن^۲ در عراق بودیم (رنجیرشیرازی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۰). در اینجا باید به عامل داخلی در گسترش و نفوذ سلفی‌های تکفیری توجه کرد که در واقع شکاف‌های قومی، بحران‌های داخلی از مهم‌ترین عوامل داخلی در رشد سلفی‌گری تکفیری در عراق و منطقه هستند. باید در نظر داشت که ساختار فکری و عملی داعش، مبتنی بر قرائتی تبه‌پیزی و ایدئولوژیک از اسلام است که ریشه آن را باید در مسائل عقیدتی، منابع مادی و انسانی و آگاهی گسترده از عوامل جغرافیایی که به دنبال دولت‌سازی بوده یافت (نظری و السمیری، ۱۳۹۴: ۷۶).

توجه به عامل خارجی وقتی پررنگ‌تر می‌شود که حمله عربستان به یمن در واقع بیانگر این امر بود که حمایت جدی از شرایط هرج و مرج گونه منطقه دارد و سعی دارد از آن استفاده کند. حمایت عامل خارجی در رشد سلفی‌گری تکفیری در یمن از طریق حمایت معنوی و مادی و همچنین جلوگیری از روی کار آمدن نیروهای مقاومت و انقلابی الحوثی‌ها در یمن. شاید به نظر آید که حمله غربی‌ها و روسیه به مواضع داعش نابودکننده باشد اما این امر نامحتمل به نظر می‌آید چرا که اتفاقات اخیر، یعنی حمله عربستان به یمن معادلات را به گونه دیگر رقم زده و این جریان امروزه با رشد سلفی‌ها در یمن رو به افزایش است. ریاض با تأسیس و حمایت از مدارس وهابی در کشورهایمانند سوریه، عراق، پاکستان، بحرین، یمن به نوعی زمینه‌های فکری آنها را تأمین و با حمایت‌های مالی سعی در سد شدن محور مقاومت و شیعه است. گسترش شیعه‌هراسی و ایرانی‌هراسی در واقع در راستای حمایت از سلفی‌ها در منطقه می‌باشد. (ترکی، ۱۳۹۲: ۶۹) برهم زدن نظم منطقه با تأمین ابزارهای جنگی برای تکفیری‌ها و رشد این گروه‌ها در سوریه، عراق و یمن و همچنین همراهی عربستان و قطر اقداماتی برای تضعیف محور اتحاد ایران-سوریه (راهبرد عربستان، ۱۳۹۳: ۲۷) به منظور تقویت حکومت داعش است. عربستان حتی با طراحی توطئه نفتی علیه ایران و همچنین حمایت این کشور در دفاع از سهمیه اوپک در بازار جهانی به قیمت کاهش بهای نفت برای همسو شدن با رژیم

1. Alzarghavi

2. Osame Ben Ladh

صهیونیستی (نجاتی، ۱۳۹۳: ۸۹) و حمایت از بی‌ثبات کردن منطقه است. عربستان (عامل خارجی) با توجه به انقلاب‌های چند سال اخیر در مصر، تونس و لیبی، سیاست خصمانه‌ای نسبت به ایران اتخاذ کرده و ایران برای همسایگان بلافصل خود در شبه جزیره عربستان و خلیج فارس، چارچوب داوری کاملاً جدیدی آفریده است. (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۱۱۳) بنابراین، وجود داعش هر چند ممکن است در کوتاه‌مدت برای عربستان زیان‌آور باشد اما عقاید تکفیری برای آنها ارزشمند است، لذا تا زمانی که بحران سوریه برای ایران صدمه زنده باشد غرب و عربستان از حمایت‌های خود دست برنمی‌دارند و جریان تکفیری در سوریه و عراق خواهند ماند (سمیعی اصفهانی و شفیع سیف‌آبادی، ۱۳۹۴: ۲۱۰) البته در این رابطه باید به نقش روسیه نیز توجه کرد که در سیاست خارجی روسیه چرخش صورت گرفته و ماندن داعش و تشکیلاتی شدن قوی داعش برای روسیه زیان‌بار است.

جریان به نسبت خفیف‌تر از شکل‌گیری دولت داعش، تقسیم سوریه بین گروه‌های معارض و ملی است، تقسیمی که اولاً متناسب با جمعیت هر گروه و ثانیاً بر اساس مکانیسمی دموکراتیک و ثالثاً رهبری تشریفاتی بشار اسد باشد (که همگی به دولت‌سازی داعش کمک می‌نماید). شکی نیست که استواری و تثبیت ارزش‌ها و نهادهای دموکراتیک در عراق و سوریه به سهولت صورت نخواهد گرفت و زمان‌بر و هزینه‌افزا است، بنابراین برای تشکیل حکومت داعش جنبه دموکراتیک محتمل‌تر به نظر می‌رسد (ساسانیان، ۱۳۹۳: ۱۵) و آن‌هم با نفوذ در آینده مجلس و پست‌های مدیریتی و آن‌هم نه توسط این مهره‌های فعلی بلکه افرادی مایل به این نوع طرز فکر.

۵-۲. فروکش کردن جریان سلفی تکفیری

در این سناریو باید با نگاهی تاریخی به آن پرداخت؛ یعنی اگر به خوارج، ابن تیمیه، عبدالوهاب، شاه ولی‌الله دهلوی نگاهی تاریخی داشته باشیم، می‌بینیم در برهه‌ای از زمان قدرت گرفته و بعد از مدتی فروکش کردند. هر چند هرگز به طور کامل از بین نرفته‌اند و موجودیت خود را تا به امروز حفظ کرده‌اند؛ اما به مانند «آتش زیر خاکستر» هستند، یعنی به طور کامل از بین نرفته و نمی‌رود و با توجه به افراط نمی‌توانند قدرت را در روندی آرام به دست گیرند، به گونه‌ای که در عربستان، شاهد رویکردهای چندگانه در تصمیم‌گیری‌ها هستیم و به نوعی می‌توان از آن به عنوان سردرگمی و فروکشی جریان سلفی یاد کرد. عربستانی‌ها دو برخورد متفاوت در منطقه دارند. در سوریه از اقدام آمریکا جانب‌داری می‌کنند، ولی در عراق، فعلاً تحت فشاری که وجود دارد و جوی که علیه داعش اوج گرفته است، سکوت کرده‌اند و ریاض هماهنگی چندانی با واشنگتن در مسئله عراق ندارد (اختلاف در رویکردهای عربی، ۱۲ مهر ۱۳۹۲: ۲۸) از آنجایی که رشد سلفی‌گری دو جنبه داخلی و خارجی دارد، هرگاه کشورهای حامی سلفی‌گری دست از حمایت خود از آنها بردارند، سلفی‌گری فروکش کرده و هرگاه از آنها حمایت نمایند با توجه به زمینه‌های

داخلی در عراق و سوریه رشد آنها میسر می‌شود؛ بنابراین سناریوی فروکشی سلفی‌گری به عامل خارجی نیز وابسته است و هرگاه کشوری مانند عربستان با توجه به حفظ موازنه قوا و رهیافت‌های مشارکت (کوشکی و محمدی، ۱۳۹۴: ۳۰) شرایطی ایجاد کند، رشد تکفیری‌های منطقه مانند داعش و النصرة شیوع پیدا می‌کند و هر موقع لازم ببیند دست از حمایت خود از آنها برمی‌دارد که در واقع نوعی فروکش شدن قدرت سلفی‌های تکفیری محسوب می‌شود.

۵-۳. نابودی سلفی تکفیری

در این سناریو اگرچه گروه‌های تکفیری در عرصه نظامی در مناطق نفوذ ج.ا.ایران شکست خورده‌اند اما تفکر تکفیری وجود دارد و تربیت نسل جدید تروریست‌های تکفیری و تداوم افراط‌گرایی در راه است. داعش برای پرورش تعداد هرچه بیشتر نیروهای تکفیری، از کودکان به صورتی گسترده در عملیات‌های انتحاری و دیگر امور قلمرو خود استفاده می‌کند؛ این گروه تروریستی، به طور ویژه به تربیت کودکان در مناطق تحت اشغال خود توجه دارد و هزینه‌هایی سنگین را برای تلقین ایدئولوژی خشن خود به کودکان اختصاص داده است (Malik, 2016: 31).

کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، در ژوئن ۲۰۱۵ اعلام کرد که داعش، ۸۰۰ تا ۹۰۰ تن از کودکان ۹ تا ۱۵ ساله را در مناطق مختلف موصل ربوده است. کودکان میان ۵ تا ۱۰ سال، در زمینه مذهبی آموزش می‌بینند و کودکان ۱۰ تا ۱۵ ساله نیز تحت آموزش نظامی قرار می‌گیرند؛ رسانه‌های محلی نیز، اعلامیه‌ای منتشر کردند که بر اساس آن، کودکانی که از دستور فرماندهان داعش سرپیچی می‌کردند، شلاق خورده، شکنجه می‌شدند. نیکیتا ملیک، کارشناس ارشد بنیاد کوپلیام در کتاب کودکان دولت اسلامی می‌نویسد: «رویکرد داعش به آموزش و تعلیم کودکان، یادآور روش نازی‌ها در تربیت کودکان آلمان است» (Benotman, 2016: 32).

جنايات داعش در عراق و سوریه، به مراتب خشن‌تر و وحشیانه‌تر از جنايات نازی‌ها و فاشیست‌ها به خصوص درباره نقض حقوق کودکان است. آموزش کودکان داعش از تولد آغاز شده و در مدرسه و سپس اردوگاه‌ها بیشتر می‌شود. داعش، دخترها را به عنوان «مروارید خلافت» مجبور می‌کند، در خانه اقامت کنند و از همان اوایل زندگی، چگونگی همسراری را می‌آموزند. داعش با مجبور کردن کودکان به مشارکت در اعدام مخالفان، از یک سو درصدد است، این اعمال را به کودکان آموزش دهد و از سوی دیگر سعی می‌کند تا جنايات خود را عادی نشان دهد. درحالی‌که برخی از کودکان با دادن چاقو به تکفیری‌های بزرگ‌تر، در اعدام‌ها همکاری می‌کنند، هستند کودکانی که خود، مجازات اعدام را انجام می‌دهند؛ آنها انجام مجازات اعدام را نوعی امتیاز و افتخار می‌دانند (Malik, 2016: 162).

همچنین، کودکان آموزش می‌بینند که چگونه عملیات انتحاری انجام دهند. آنها یاد می‌گیرند که با پوشیدن

جلیقه انتحاری یا راندن خودروهایی پر از مواد منفجره به مناطق مد نظر داعش، آنها را منفجر کنند. بر اساس آمار دیده‌بان حقوق بشر، در سوریه فقط در ژوئیه سال ۲۰۱۵، بیش از نوزده مورد از انفجارهای انتحاری کودکان ثبت شده است (Benotman, 2016: 44)؛ علاوه بر موارد یاد شده، این نهاد، گزارش‌هایی ارائه می‌دهد که طبق آنها، قبایل محلی، برخی از خانواده‌ها را در استان الانبار مجبور کردند، کودکان خود را برای پیوستن به داعش بفرستند. کودکانی که خانواده آنها از این عمل خودداری می‌کردند، به زور گرفته می‌شدند، زیرا تکفیری‌ها کودکان را نیز موظف می‌دانند، در «جهاد» مشارکت کنند. کودکان ربوده شده توسط تکفیری‌ها برای اعدام و سر بریدن مخالفان به کارگرفته می‌شوند. آمارها نشان دهنده این حقیقت تلخ هستند که داعش، حدود ۳۱ هزار زن حامله در عراق و شام دارد. کودکان از همان ابتدای تولد، آموزش‌هایی خشن می‌بینند تا نسل آینده تکفیری‌ها را تشکیل دهند (2016: 221 Moore)؛ روزنامه ایندپندنت انگلستان در این باره نوشت: «نسلی جدید که از فرزندان اروپایی‌های ملحق شده به داعش هستند، همچنان در حال افزایش است زیرا شمار «عروس‌های جهادی»، همچنان رو به افزایش است» (Dearden 2016: 115).

سناریوی نابودی کامل سلفی تکفیری امری شاید غیرممکن باشد. اگر تکفیر و ترور را در یک راستا ببینم، شاهد این امر هستیم که در طول تاریخ بشریت هم ترور وجود داشته هم تکفیر. نابودی گروه‌های تکفیری مانند داعش شاید ممکن باشد، اما بی‌شک طرز فکر این طیف‌ها از بین نخواهد رفت چرا که دو عامل عقیدتی (عامل داخلی) و حمایت دیگران (عامل خارجی) با توجه روند تاریخی و عقیدتی این طرز فکرها از بین نخواهد رفت.

سلفی - تکفیری تا جایی که توانسته سعی کرده در امور سیاسی و اعتقادی نفوذ خود را به هر طریق ممکن سازد؛ از خوارج و تا به امروز وهابیت و داعش. شیوه‌های آنها چند ویژگی از جمله ترور، تعصب زیاد، نزدیک شدن به کفار (دشمن مسلمین) و کمک خواستن از آنها، هر چند در ارتباط با خوارج و ابن تیمیه شاید نتوان شواهد تاریخی یافت، اما باید این انتظار را داشت همان گونه که تکفیری‌ها به مانند گذشته در برهه‌هایی از زمان توانسته‌اند حکومت خود را تثبیت نمایند و بعضاً به دلیل خشونت و تعصب بیش از حد نتوانسته‌اند ثبات پیدا کنند و همیشه گروه‌های معتدل‌تر از درون آنها برای مبارزات سیاسی وارد عرصه شده‌اند؛ بنابراین سلفی - تکفیری هیچ‌گاه از بین رفتنی نیست. استدلال مورد ادعا در مورد حکومت مرسی است که با یک‌جانبه‌گرایی و نادیده گرفتن رقبا و همچنین تحولات منطقه (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳ فروردین ۱۳۹۳، مروری بر دلایل سقوط حکومت اخوانی مرسی) نتوانست دوام بیاورد، اما همچنان طرفداران آن به طور کامل از بین نرفتند.

۶. نتیجه‌گیری:

این مقاله با توجه به دید تاریخی که به سه جنبش وهابیت، دیوبندی و اخوانی داشته، جریان‌های سلفی را مورد مذاقه قرار داد. در بررسی هر سه جنبش شاهد حضور سه تیپ سیاسی، اصلاحی و تکفیری هستیم که البته به طور دقیق نمی‌توان مرزبندی دقیقی برای آنها قائل شد. هرکدام از سه جریان، گفتمان‌هایی را برگزیده و تمرکز خود را بیشتر بر آن نهادند و در روند تاریخی خودشان با توجه به عامل داخلی و خارجی تیپ‌های مختلفی را در خود جای می‌دهند. به فرض مثال دیوبندی‌ها علاوه بر بازگشت به اسلام، عامل خارجی (استعمار) در تشدید نقش آن جلوه مهمی دارد و یا در جریان اخوان که به نظر علمی‌تر و از راه‌های سیاسی و دیپلماتیک وارد می‌شود و یا جریان سلفی تکفیری نقش ترور، رعب و وحشت همیشه در آن به چشم می‌رسد.

بنابراین در سناریوسازی برای سلفی‌ها باید به نقش عامل داخلی و خارجی توجه ویژه داشت و این امر زمانی چشمگیرتر می‌شود که حمایت‌های نظامی و سیاسی غرب را در نشست‌های ژنو برای ماندن داعش در منطقه و رفتن بشار اسد از سوریه یادآور شد.

در اینجا سه سناریو برای سلفی‌ها (به خصوص تکفیری‌ها) شامل «نابودی کامل»، «فروکش کردن سلفی‌ها» و «دولت‌سازی» به منظور قدرت‌یابی آنها مورد بررسی قرار گرفت. برای دولت‌سازی، باید این نکته را مدنظر قرار داد که در تعریف دولت عناصر حقوقی از جمله؛ حاکمیت، مردم، سرزمین و دولت مهم است. همچنین دولت‌سازی روندی تاریخی دارد نه اجباری که در رابطه با سلفی تکفیری به خصوص داعش و دولت‌سازی و دست‌یابی آنها به قدرت، این سناریو محتمل به نظر نمی‌رسد و این به معنای این است که داعش به عنوان یک پارادایم نمی‌تواند دولت تشکیل دهد و اگر به مرحله دولت‌سازی برسد تاب و تحمل رابطه برقرار کردن با نظام جهانی را نخواهد داشت و آن به دلیل امنیت‌زدایی آنهاست. اگر سلفی‌گری تکفیری، (نمونه آن یعنی داعش) رشد داشته به دو دلیل داخلی و خارجی بوده است. لذا سناریوی دولت‌سازی برای داعش منتفی است.

سناریوی دوم سرکوب کامل سلفی تکفیری است که به نظر می‌رسد امری ناممکن است. شاید بتوان تضعیف آنها را دید، اما انهدام آنها کاری ناشدنی به نظر می‌رسد. اگر ترور و رعب را یکی از ابزارهای جریان تکفیری بدانیم در تاریخ اسلام شاهد هستیم، هیچ‌گاه سرکوب کامل آنها وجود نداشته است. امروزه این مفروض وقتی کامل‌تر می‌شود که در عرصه جهانی شدن، گروه‌های تروریستی از جمله داعش را در شمار گروه‌های ذی‌نفوذ در نظام جهانی به شمار می‌آورند و با وجود قوانین سفت و سخت از سوی برخی کشورهای غربی مانند آمریکا، شاهد حمایت خود این کشورها از این گروه‌ها هستیم که در این رابطه ارتباط مستقیم با منافع ملی (عامل خارجی) مد نظر است؛ بنابراین این گروه‌ها با حفظ هویت خود سعی

در معتدل‌سازی خود خواهند داشت و هرگاه عرصه را برای رقابت نابرابر بدانند، ممکن است به کارهای تروریستی روی آورند.

بنابراین در دل جریان سرکوب و فروپاشی سناریوی سوم یعنی فروکشی روی می‌دهد و آن در سه زمان رخ می‌دهد؛ اول عرصه رقابت مهیا شود و تا حدودی بتوانند به اهداف خود در جامعه برسند که در این صورت به ایجاد رعب کمتر می‌پردازند و بیشتر سرگرم امورات جامعه هستند، دوم؛ هرگاه احساس کنند که روند جاری در جامعه خلاف عقاید، نص و سنت نیست و سوم آنکه هرگاه با توجه به شرایط جامعه نتوانند به اهداف خود در جامعه دست یابند یعنی حتی با «ارهاب»، «انغلاق» و «تکفیر» نتوانند کاری را از پیش ببرند که می‌توان از آن سرکوب موقت یاد کرد. لذا محتمل‌ترین سناریو برای جریان سلفی - تکفیری به خصوص داعش به عنوان نماینده فعلی این گروه، فروکشی است که به نوعی حضور همیشگی خواهند داشت و به دنبال فرصت برای ورود هستند و این فرصت وقتی ایجاد می‌شود که با توجه به بحران‌های داخلی و خارجی مسیر هموار شود.

منابع:

- قرآن کریم.
- گفتگو با قاسم محب‌علی. «اختلاف در رویکردهای عربی در نگاه به ائتلاف ضد داعش». ۱۲ مهر ۱۳۹۲. سایت peace-ipsc.org
- اسپوزیتو، جان آل. (۱۳۸۸). «بازتاب انقلاب اسلامی» تهران، انتشارات باز، چاپ سوم.
- دسترسی ۱۳۹۷/۱۱/۲۰، www.khosroshahi.or بررسی نقش اخوان المسلمین در مصر، سایت:
- پیری محمد و دورانی عبدالغفور. (۱۳۹۱). «پیدایش تفکر دیوبندی در هندوستان و تأثیر آن بر بلوچستان ایران». فصلنامه مطالعات شبه قاره. سال چهارم. شماره سیزدهم.
- تابان، جعفر. (۱۳۸۳). «اجمالی از افکار ابن تیمیه و نقد آن». فصلنامه انسان پژوهی، پاییز ۱۳۸۳ - شماره ۱ (از ۸۹ تا ۱۰۴).
- ترکی، هادی. (۱۳۹۲). «انقلاب‌های عربی و سیاست خارجی ایران، فرصت‌ها و تهدیدها». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۹۱)، مبانی، اصول و روش‌های آینده‌پژوهی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۹۰)، «تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام»، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم، تهران.
- اندرو هیوود، (۱۳۸۳) داعشی شدن دشوار نیست؛ سازوکار نیروگیری و نحوه عمل جریان‌های تکفیری، سایت
- دانش‌پژوهان، «شکل‌گیری، اهداف و استراتژی اخوان المسلمین» بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۵. سایت دسترسی ww.feirahi.ir، ۱۳۹۶/۱۲/۲۵
- راهبرد عربستان در قبال هژمونی منطقه‌ای ایران و جنگ نیابتی در سوریه چیست؟ (۱۳۹۳)، سایت اشرف دسترسی www.eshraf.ir ۱۳۹۳/۷/۲۱ (۱۴:۱۹) ۲۱/۰۷/۹۳
- ربیعی فر، احمد، (بی تا) «سلفیه و امواج بیداری اسلامی»، سراج منیر.
- رنجبرشیرازی امیر، مصطفی و نجاتی آرانی، حمزه و فاطمی صدر، (۱۳۹۳)، جریان‌شناسی داعش، مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی، مطالعات منطقه‌ای، ۱۷، چاپ اول، ناشر سخنوران.
- ساسانیان سعید، (۱۳۹۳) «ایران و مقابله با داعش، مانور نظامی یا زمینه‌سازی دیپلماتیک؟»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۶۷)، «آیین وهابیت چیست؟ و پایه‌گذاران آن کیست؟» رشد آموزش معارف اسلامی، شماره یک.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و شفیعی سیف‌آباد، محسن؛ (۱۳۹۴)، «آینده گروهک‌های تکفیری و راه کارهای ثبات‌بخش

- دولت سوریه و عراق»،** فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست خارجی، سال چهارم، شماره چهارده.
- شیخ‌حسینی، مختار، (۱۳۹۳)، **زمینه‌های رشد تروریسم در عراق**، ناشر: مجمع جهانی اهل بیت (ع)
- الفتیح، عارف مرتضی، (۱۳۸۸)، «**لایحجاز فی تاریخ البصره و الإحساء و نجد و الحجاز**»، جامعه المصطفی‌العالمیه، جلد یک.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۸۶) «**مبانی فکری سلفیه**»، ویژه‌نامه علمی ادیان و مذاهب، انجمن علمی ادیان و مذاهب حوزه علمیه قم، شماره اول،
- فیروزی داود، **رمزگشایی از مفهوم «خضم نزدیک» در ادبیات داعش**، تاریخ دسترسی ۱۳/۶/۱۳۹۵، www.iran-newspaper.com.
- کوشکی محمدصادق و محمدی جواد، (۱۳۹۴)، «**سیاست خارجی در غرب آسیا: بررسی روابط معاصر عراق و عربستان**»، انتشارات خرسندی.
- کیس وندر هیدن. (۱۳۹۱) **سناریوها هنر گفتگوی راهبردی**، ترجمه مسعود منزوی، نشر: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی. تهران.
- گفتگو با حجت‌الاسلام مهدی فرمانیان، **جریان‌شناسی سلفی‌گری؛ از وهابیت تکفیری تا اخوان المسلمین**، دسترسی www.tasnimnews.com، ۱۳۹۷/۰۴/۲۲
- **مروری بر دلایل سقوط حکومت اخوانی مرسى**، (۱۳ فروردین ۱۳۹۳)، سایت: باشگاه خبرنگاران جوان
- معذل، منصور، (۱۳۸۲)، «**طبقه سیاست و ایدئولوژی در انقلاب**»، ترجمه دکتر محمد سالار کسرایی مرکز (باز).
- موسوی علی‌زاده، مهدی، (۱۳۹۰)، «**تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت**»، چاپ ششم، جلد یک، آوای منجی قم.
- موسوی، محمد، (۱۳۹۰)، «**اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران**»، نشر دانشگاه پیام نور، چاپ دوم، تهران
- ناصرآبادی، زهرا (۱۳۷۹)، **آینده‌پژوهی**، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی استراتژیک ۷۰.
- نباتیان، محمد اسماعیل و شیخ‌حسینی مختار، (۱۳۹۳) **زمینه‌های فکری سیاسی یعنی تکفیری داعش**، مجمع جهانی اهل بیت، قم.
- دسترسی www.ensani.ir، ۱۳۹۶/۶/۱۰، حمزه (۱۳۸۸) «**بازتاب انقلاب اسلامی بر عربستان**»،
- نظری علی اشرف و السمری عبدالعظیم، (۱۳۹۴) «**بازخوانی هویت دولت اسلامی در عراق و شام (داعش): فهم زمینه‌های فکری و سیاسی-اجتماعی**»، فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)، سال هفدهم، شماره ۶۸.
- همفر، (۱۳۸۰)، «**مزدوران انگلیس: خاطرات جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی**»، مترجم مؤسسه اسلامی ترجمه، نشر: الماس، قم.
- منابع لاتین:

- Makridakis, Spyros et al. (1982) *The accuracy of extrapolation (time-series) methods*, Journal of Forecasting.

- Malik, Nikita (2016). **The Children of Islamic State**, London: Quilliam Foundation, retrieved on September 5, 201
- Benotman, Noman (2016). **The Children of Islamic State**, London: Quilliam Foundation, retrieved on September 5, 201
- Dearden, Lizzie (2016), "Isis Training Children of Foreign Fighters to Become 'Next Generation' of Terrorists," July 29, <http://www.independent.co.uk>, retrieved on September 4

